

## ( شرار آذرخش )

کو شعله های جاویدان خاشه سوز  
که شرار آذرخش ، بر آسمان زند  
دستی برون شود ز آستین مردمان  
آتش به کاخ مفسد آخرزمان زند  
کو پنجه که پاره کند حلق دیو و دد  
خنجر به قلب جمله آن ناکسان زند  
باشد که مرد کارگر بنیاد سوخته ای  
پتکی بفرق رهن و دزد جهان زند  
خشم درست توده زنجیر گسسته ای  
مشتی به نادرستی سود و زیان زند  
ره ای هزار ستاره تابناک پیر را  
پرجوش خون تازه نسل جوان زند  
درفش افتخار رهایی را عاقبت  
ملت فراز بام بلند جهان زند  
در جشن شادمانی و آزادی وطن  
( ناتور ) پیر ، بال سوی ، آشیان زند